نه سرایت بیماری، و نه بدشگونی، و نه هامه، و نه صفر، هیچ یک در اسلام جایگاه و اصالتی واثری ندارد، و از جذامی طوری بگریز همانطور که از شیر می گریزی

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نه سرایت بیماری، و نه بدشگونی، و نه هامه، و نه صفر، هیچ یک در اسلام جایگاه و اصالتی واثری ندارد، و از جذامی طوری بگریز همانطور که از شیر می گریزی».

[صحیح] [متفق علیه]

پیامبر صلی الله علیه وسلم برخی از مسائل دوران جاهلیت را به عنوان هشدار بیان نمود، و توضیح نمود که این کار به دست الله است، و هیچ چیز جز به فرمان و تقدیر او وجود ندارد، که آنها عبارتند از: اول: مردم زمان جاهلیت معتقد بودند که بیماری سر به خود سرایت می کند؛ پس او صلی الله علیه وسلم از داشتن عقید انتقال خودی بیماری از شخص بیمار به دیگران نهی کرد؛ پس الله جهان هستی را در تصرف خود دارد؛ و اوست که بیماری را نازل می کند و آن را برطرف می کند، و این جز با اراده و اختیار او اتفاق نمی افتد. ثانیاً: مردم زمان جاهلیت هرگاه برای مسافرت یا تجارت بیرون می شدند پرنده را رها می کردند، پس اگر به سمت راست می پریدند آن را به فال نیک می گرفتند، و اگر به سمت چپ می پریدند ان را شگون بد می گرفتند و سفر نمی کردند، پس او صلی الله علیه وسلم از این شگون گرفتن با پرنده را منع کرد، و بیان نمود که این عقیده باطل است. سوم: مردم زمان جاهلیت می گفتند: اگر جغدی بر خانه ای فرود آید، بلایی سر اهل خانه می آید؛ پس او صلی الله علیه وسلم از شگون به آن را نهی کرد. چهارم: نهی از شگون بد به ماه صفر، که آن دومین ماه از ماه های قمری است، و گفته شده که صفر: ماری (کرم) در معده می باشد که چهارپایان و انسان ها به آن مبتلا می شوند، و بر این باور بودند که سرعت سرایت آن از گری بیشتر بوده است؛ اما حدیث مذکور این گمان و باور را نفی نمود. پنجم: دستور داد که از مبتلا به جذام دور شوید، همانگونه که از شیر دوری می‌کنید، این برای حفظ جان و حفظ سلامتی او، و اسبابی است که الله متعال گرفتن آن دستور داده است، و جذام: بیماری است که باعث فرسایش اعضای بدن انسان می شود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/3407